

از مشکلات قوانین کشورمان در رابطه با تنظیم قراردادهای مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی است. حق استفاده از CDM - که به هر دلیلی به کاهش نشر آلاینده کرنی انجامیده است - در تمام کشورهای خارجی، متعلق به بخش خصوصی سرمایه‌گذار است که متأسفانه این مسأله در کشور ما رعایت نمی‌شود و می‌باید هرچه زودتر چاره‌ای برای آن اندیشیده شود. اما در راستای تبیین سیاستی راهبردی در چارچوب توسعه و رشد انرژی‌های تجدیدپذیر، دولت می‌تواند از طریق پرداخت یارانه، مردم را تشویق به خرید و نصب سلول‌های فتوولتائیک بر سقف منازل و ساختمان‌های اداری نماید تا از این طریق، هم برق مورد نیاز واحدهای مسکونی و اداری تأمین شود و هم با خرید مازاد برق تولید شده، به افزایش تولید شبکه برق سراسری کمک نماید. نکته حایز اهمیت در آن است که با اعمال چنین راهکاری، عملاً بخش غیر دولتی برای فروش بیشتر برق به دولت، ناخودآگاه به تعدیل مصرف انرژی خود دست خواهد زد که همان دستیابی به هدف اصلاح الگوی مصرف خواهد بود. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «جایگاه انرژی‌های نو در کشور» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

پروژه‌های تجدیدپذیر در کنار قَلت متخصصان و عدم تدوین قانونی مدون برای راهبرد این صنعت از مهمترین دلایل کندی پیشرفت انرژی‌های نو در ایران بوده است.

در کنار مطالب فوق، عدم ورود سرمایه‌گذار خارجی، درد دیگری است که انرژی‌های نو کشور از آن در رنج است. نوع تنظیم قراردادهای مربوط به این بخش که نشان‌دهنده فقدان قانون‌مداری در جذب سرمایه‌ها در این عرصه است، درد دیگری است که دامن‌گیر انرژی‌های نو شده است. در حال حاضر، عموم قراردادهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

### سبد مصرف انرژی ایران میلیون تن نفت خام

سال	نفت	گاز طبیعی	زغال‌سنگ
۲۰۰۵	۷۷	۹۴	۱/۲
۲۰۰۶	۸۱	۹۸	۱/۳
۲۰۰۷	۸۲	۱۰۲	۱/۳
۲۰۰۸	۸۳	۱۰۶	۱/۳

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از BP

## لزوم تدوین الگوی اقتصادی در کشور

# شاه‌کلید درهای بسته



**بدون تعریف الگویی متناسب با پتانسیل‌های کشور، تاریخ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و راه‌های مجرب گذشته، نمی‌توان به دستیابی به رشد و توسعه پایدار امیدوار بود.**

اقتصادی کشور است که بازنگری در قوانین و دستورالعمل‌های آن، شاید می‌توانست کشور را در دستیابی به نتایج بهتری در برنامه پنجم و در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز یاری رساند.

تعریف اهداف غیرقابل حصول و دست نیافتنی که هنوز بسترهای لازم را جهت رسیدن به آن اهداف فراهم نکرده‌ایم، دردی است که دامن بسیاری از برنامه‌های کلان کشور را گرفته است. این امر در کنار ناطمینانی از اولویت‌بندی بخش‌ها و اهداف توسعه‌ای به علاوه عدم شناخت کافی از مزیت‌هایی که می‌تواند با تکیه بر آنان فرایند توسعه را رونق بخشید، ریشه در همان ابتر بودن برنامه‌های اقتصادی دارد که پیش از این اشاره شد، چرا که تداوم مسیری از تحصیل تجربه بر مبنای آزمون و خطا می‌تواند به ایجاد پرونده‌های ارزشمند بی‌انجامد که زمینه‌ساز رشد تئوریک و عملی اقتصاد کشور است. شاید بتوان علت این امر را در عدم حاکمیت دیوان‌سالاری در کشور دانست. تصمیمات خلق‌الساعه و بدون پشتوانه - که در برخی موارد حتی تصمیمات مهم و تأثیرگذاری بر کل بخش‌های کشور هستند - نباید خارج از خط قرمزهایی اتخاذ شوند که تجربیات علمی جهان بر مخرب بودن این تصمیمات صحه گذاشته است.

### نقد چند عملکرد

در سال‌های اخیر در میدان اتخاذ سیاست‌هایی قرار گرفته‌ایم که اشتباه در پیش‌بینی، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و گزارش حقایق مربوط به آنها می‌تواند بر آینده کشور و روندی که اقتصاد در آن در حرکت است تأثیر منفی بگذارد. طرح

توفیق اقتصادهای بزرگ دنیا در کسب سهم‌های معتابایی از شاخصه‌های رشد و رفاه، اتفاقی نیست که یک شبه به وقوع پیوسته باشد. تاریخ و تجربه‌های اقتصادی و تاریخی که ماحصل تحمل شکست‌ها و کسب پیروزی‌ها در عرصه مناسبات اقتصادی کشورهای دنیا است، زمینه‌ساز ثبات ایدئولوژی‌های محکمی است که نصب‌العین سیاستمداران و عوامل اقتصادی قدرت‌های بزرگ جهان قرار دارند. در ۳۰ سال گذشته، علیرغم تعریف‌های خاصی که از ایدئولوژی‌های اقتصادی در جهت پیشبرد اهداف مدنظر برنامه‌های اقتصادی در کشور صورت پذیرفته است، متأسفانه الگوی اقتصادی خاصی را که بتواند قابل استناد و تعمیم به دوره‌های مختلف باشد شاهد نبوده‌ایم. در برخی زمان‌ها اتخاذ سیاستی در جهت بهبود اوضاع و تنظیم شرایط در مسیر رونق و رفاه مؤثر به نظر آمده است و با فاصله‌ای کوتاه، همان سیاست در واقع آسیبی بر پیکره اقتصادی جامعه کشور وارد آورده که این امر، خود حکایت از بی‌ثباتی شرایط داخلی در عرصه مسایل اقتصادی دارد. با این حال، هنوز کشور ما از یک الگوی اقتصادی خاص تبعیت نمی‌کند و دولت‌مردان ما، فلسفه پردازش الگوی اقتصادی را فراموش کرده‌اند.

شاید بتوان پشت سر نهادن ۴ برنامه اقتصادی و قوانین و دستورالعمل‌های فراوانی را که طی این سال‌ها شاهد تدوین آنها بوده‌ایم در مسیر پشت سر نهادن دشواری‌های اقتصادی به عنوان شاهدهی بر تدوین انتظام در روند دستیابی به ثبات مطرح کرد، اما فراموش نکنیم که یک الگوی اقتصادی، چارچوبی است که هدفی را دنبال می‌کند و برنامه‌های مذکور در قالب رسیدن به اهداف آن تدوین شده‌اند. به قول بسیاری از کارشناسان، شاید در نظام برنامه‌ریزی در کشور، جزو بی‌نظیرترین کشورهای دنیا باشیم، اما بدون شک در اجرا، عملکرد ضعیفی را از خود به نمایش نهاده‌ایم. شاهد این ادعا، تحقق پایین اهداف برنامه چهارم توسعه

توزیع فرصت‌های برابر در این مسیر، بی‌عدالتی به وقوع پیوسته است. راجع به طرح تحول اقتصادی نیز سؤالات جدی مطرح است که پرداختن به آنها در این مقال نمی‌گنجد، اما نباید فراموش کنیم که طرح نقدی شدن یارانه‌ها با کیفیت کنونی آن، خسارات فراوانی را به بار خواهد آورد که حتی جبران عواقب آن می‌تواند سال‌ها به طول انجامد و هزینه‌های گزافی را برای کشور به بار آورد. دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، علیرغم همه تصمیماتی که طی این سال‌ها اتخاذ گردید، تاکنون دور از دسترس به نظر می‌آید و این نگرانی وجود دارد که طی این مسیر با برنامه‌هایی که امروز در قالب‌های به دور از الگوی واحد و با اهداف مشخص و تعریف شده طراحی شده است به حرکتی انحرافی از رتبه اول منطقه در سال ۱۴۰۴ بی‌انجامد. به هر حال برای تعریف راهبرد و تدوین الگوی متناسب، هیچ‌گاه دیر نیست. ■

## آمریکا در برابر ایران و کره شمالی

### راه‌های انتخاب محدودند

#### بررسی چالش‌های آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی از نگاه مؤسسه Rand



خواهد داشت، برای جلوگیری از این اتفاق، به خطرات زیادی تن می‌دهند. به طور دقیق‌تر، این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از یک سلاح هسته‌ای، هنگام مواجهه با شکست می‌تواند گزینه مناسبی برای آنها باشد. همه این مسایل در کنار این حقیقت که نیروهای آمریکایی، هم توانایی و هم تمایل خود را برای حمله به این کشورها نشان داده‌اند، منجر به هراس آنان از حمله دشمن و قرار گرفتن در وضعیتی شده است که برای استفاده از فرصت، از همان ابتدای درگیری می‌توانند متوسل به سلاح هسته‌ای شوند.

#### جنگ آخرین راه نیست

به طور خلاصه، بازداشتن از استفاده سلاح هسته‌ای از طریق تهدید به مقابله به مثل - که نقطه اتکای استراتژی نظامی جنگ سرد بود - برای دشمنان منطقه‌ای آمریکا به شدت مشکل‌زا خواهد بود. دلیل آن هم بسیار ساده است، چراکه این کشورها ممکن است تنها شانس بقای خود را استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خود بدانند. در واقع، آنها تنها در صورتی ممکن است از استفاده سلاح هسته‌ای خودداری کنند که احساس کنند این مسیر به بقای بدون عیب و نقص آنها می‌انجامد.

این بدین معنی نیست که دشمنان منطقه‌ای آمریکا به محض دستیابی به یک موشک هسته‌ای، مشتاق جنگیدن با کشورهای همسایه خود و یا آمریکا هستند، چرا که خطرات جنگ با قدرتمندترین کشور جهان هم به نوبه خود بسیار بالا است. بنابراین، برتری نظامی آمریکا - در مسایل هسته‌ای و غیرهسته‌ای - به عنوان مانعی بر سر راه تهاجم نظامی، با ارزش خواهد بود.

با این حال، احتمال دارد کشورهای هسته‌ای جدید، منافع آمریکا را به چالش بکشاند و حد تحمل آمریکا را محک بزنند. بنابراین، اگر هر گونه درگیری رخ دهد، برای آمریکا و متحدانش که بزرگتر از شرکت‌کنندگان در درگیری‌های رخ داده از سال ۱۹۹۰ هستند، هزینه و خطرات زیادی را به همراه خواهد داشت. این واقعیت، آزادی

تحول اقتصادی، منطقی‌سازی قیمت انرژی، مالیات بر ارزش افزوده، الحاق به سازمان جهانی تجارت، خصوصی‌سازی و روابط خارجی کشور از جمله این تصمیمات هستند که علیرغم نتایج مثمرتری که می‌توان از این طرح‌ها انتظار داشت، در نتیجه عدم اتخاذ الگوی مناسب اقتصادی و سیاسی، می‌توانند موجبات پسرفت و سوءاستفاده را فراهم آورند. باید گفت در برخی از این موارد، کم‌وبیش بد عمل کرده‌ایم. به عنوان مثال، سؤال جدی که نظر کارشناسان را به جدّ به خود واداشته آن است که آیا در بُعد خصوصی‌سازی درست عمل کرده‌ایم؟ تا چه میزان اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توانسته در تملک شرکت‌های دولتی توسط عموم مردم مؤثر باشد؟ آیا لازم نبود پیش از آغاز به طرحی با این عظمت و با درجه اهمیتی تا این حد، مقدمات آن را از جمله تقویت بازار پول و سرمایه و اصلاح سیستم بانکی فراهم می‌کردیم؟ نتیجه این امر نه تنها به عدالت اجتماعی نینجامیده که حتی در

در دوران کلیتون و بوش، آمریکا استراتژی‌های فراوانی را برای متوقف یا کند کردن حرکت برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی امتحان کرد، اما هیچ یک از آنها تاکنون مؤثر نبوده‌اند.

سؤالی که این روزها مطرح می‌شود، دیگر این نیست که آیا آمریکا هنوز می‌تواند از ظهور دشمنان منطقه‌ای مجهز به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند یا خیر، بلکه این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان از قدرت گرفتن این کشورها به واسطه سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کرد که این موضوع، امری آسان به نظر نمی‌رسد.

واشنگتن با پذیرفتن گزینه‌های محدودی که در اختیار دارد و با توجه به آن که این گزینه‌ها هر روز محدودتر می‌شوند، دوران سختی را می‌گذراند. روی هم رفته، این دوره جدید پس از یک دوره طلایی از نمایش قدرت غیرهسته‌ای به وجود آمده است؛ دوره‌ای که آمریکا می‌توانست بدون این که به مجازات قدرت‌های منطقه‌ای بپردازد، قدرت نظامی را کنترل کند. به ویژه پس از جنگ سرد، آمریکا - چه به تنهایی و چه به کمک متحدان و شرکای ائتلافی خود - توانست خواسته‌های خود را بر برخی کشورهای خاظمی مشخص - همانند صربستان یا عراق تحت سلطه صدام حسین، که نیروهای ارتش آن چندان اهمیت نداشتند - اعمال کند.

توانایی آمریکا برای پیگیری اقدامات تهاجمی علیه قدرت‌های منطقه‌ای تا حدودی ریشه در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارد. به محض این که ضمانت‌های هسته‌ای آشکار و پنهان مسکو در مقابل هر گونه حمله آمریکا از بین رفت، دشمنان منطقه‌ای آمریکا خود را تنها دیدند. در این سال‌ها، هراس از ایجاد تشنج که نگرانی همیشگی سیاست‌گذاران آمریکایی طی سال‌های جنگ سرد به شمار می‌رفت، درگیری‌های نظامی آمریکا را در اوراسیا تحت الشعاع قرار نداد، اما کره شمالی و ایران، آمریکا را با چالش‌های امنیتی جدیدی روبرو خواهند کرد.

در این راستا باید اذعان داشت که با توجه به کمبود نسبی منابع انسانی و مادی، قدرت نظامی غیرهسته‌ای این کشورها پایین آمده و رهبران این کشورها می‌دانند که در هر درگیری جدی با آمریکا، نیروهای غیرهسته‌ای و ارتباطات کنترل و فرماندهی آنها بلافاصله پس از آغاز درگیری به شدت آسیب خواهند دید.

از طرفی با فرض این که شکست نظامی، عواقب خطرناکی برای این کشورها